

بازخوانی دولت ترامپ در «جامعه نمایش»

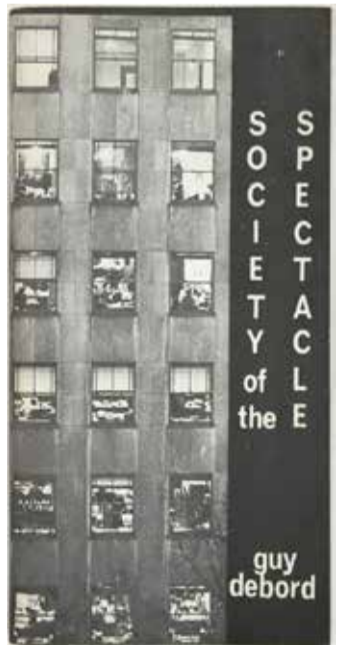
# قدرت سیاسی «تصویر» در جنبش‌های اعتراضی آمریکا



رابرت زارسکی  
ترجمه: فؤاد سیدمحمدی

تقریباً ۵۰ سال پیش، اثر گای دوبور<sup>۲</sup> به نام «جامعه نمایش»<sup>۱</sup> به قفسه‌های کتاب در فرانسه رسید. یک کتاب با حجم کم، جلدی ساده، از یک ناشر ناشناس و یک نویسنده که مصاحبه‌گر نیز بود؛ اما همین اثر تأثیر سریع و دور از ذهن از یک نقد اجتماعی را ارائه می‌داد که در شکل‌گیری اعتراضات دانشجویی ۱۹۶۸ فرانسه موثر بود.

پس از سال‌ها «جامعه نمایش» هنوز هم یاد دهنده‌ای امروز مرتبط است. با توصیف و طبقه‌بندی تکنولوژی و تصاویر در زندگی اجتماعی بشر، اغلب به عنوان کتابی در پیش‌بینی خطرات عصر اینترنت شناخته می‌شود. و شاید بیش از هر اثر فلسفی دیگر قرن بیستم<sup>۲</sup>، لحظه‌های بسیار عجیب تحت سلطنت ریاست جمهوری دونالد ترامپ، را بازگو می‌کند.



اگر چه ژان ژاک روسو با نظریه «قرارداد اجتماعی» و کارل مارکس با «مانیفست کمونیستی»، از اسلاف فکری گای دوبور در نظر به «جامعه نمایش» به شمار می‌آیند، اما در حقیقت، دوبور بود که کاربرد سیاسی را با تفکرات آن‌ها همراه کرد: «زندگی آن دسته از جوامعی که شرایط تولید مدرن بر آن‌ها غالب

است، خود تجمع عظیمی از نمایش می‌شود. همه آنچه روزی مستقیماً زندگی می‌شد صرفاً نمایشی شده است.»

گای دوبور، عضو موسس گروه موقعیت‌شناسان پیشرو، ادعای خود را درباره «جامعه نمایش» ارائه می‌دهد. این عبارت دوبور یک معنای ساده و یا حمله به رسانه‌های جمعی نبود. این نمایش خیلی بیشتر از چیزی بود که صفحه نمایش را اشغال کرد. دوبور استدلال می‌کند، هر آنچه را که زمانی زن و مرد به طور مستقیم تجربه می‌کردند، پیوندهای ما با جهان‌های طبیعی و اجتماعی در تصویرها کشیده شده است و پیکسل‌ها تبدیل به بخش‌هایی از زندگی ما شده‌اند که در آن ما خود را به نقش سیاهی لشکرها تنزل داده‌ایم.

مفهوم وجودی «تصویر» برای دوبور هم‌تراز مفهوم «کالا» برای مارکس بود. کالاها و تصاویر ماهیت آنچه را که ما روزگاری ساده‌انگاران واقعتی می‌نامیدیم برده‌اند. ماهیت اصیل محصولاتی که با دست خود می‌سازیم و روابطی که با کلمات خود ایجاد می‌کنیم حذف شده و تمثال‌ها جایگزین آنها شده است. دوبور هشدار داد که تصاویر آنقدر فراگیر شده‌اند که دیگر ما به یاد نمی‌آوریم که چه چیزی از دست داده‌ایم. اندی مریفلد<sup>۳</sup> توضیح می‌دهد: «تصاویر دیدنی باعث می‌شود که بخواهیم فراموش کنیم - در واقع، اصرار داریم که باید فراموش کنیم.

اما از نظر دوبور، فراموش کردن ما را از مسئولیت خلاص نمی‌کند. او اصرار داشت که ما فقط قربانیان بی‌گناه و حاضراتی منفعل و ظاهر شده در نمایش نیستیم. به عبارتی، وقتی توجه خود را به این نمایش جلب می‌کنیم، به گونه‌ای این وضعیت را تقویت می‌کنیم. دوبور اشاره داشت که «خورشید هرگز، بر امپراتوری بی‌ارادگی مدرن غروب نمی‌کند.» و در این حالت منفعل، خود را تسلیم نمایش می‌کنیم. از نظر مارکس، بیگانگی از کار ویژگی مشخصی از مدرنیته بود. او اعلام کرد، ما دیگر آنچه که می‌سازیم نیستیم. اما مارکس فرض داشت (حتی وقتی ما از زندگی کاری خود بیگانه بودیم)، که ما هنوز می‌توانیم خارج از کار خودمان باشیم. باین حال، برای دوبور یورش بی‌امان تصاویر حتی به این پناهگاه امن دامن زده بود. دوبور نتیجه می‌گیرد پیامد، هم فاجعه‌بار است و هم بی‌زیان: «هیچ جایی

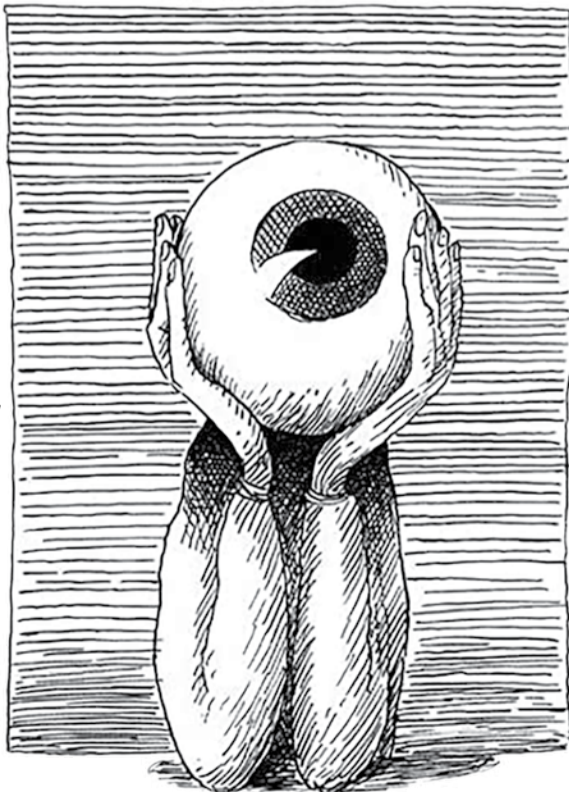
مانده است که مردم بتوانند واقعتی‌های مربوط به خویش را مورد بحث قرار دهند.» زیرا آنها هرگز نمی‌توانند به طور ماندگار خود را از حضور گسترده گفتمان رسانه‌ای‌ها باستان، دیگر وجود ندارد؛ اما ما به حضور خردکننده تصاویر همانند نیروی جاذبه زمین عادت کرده‌ایم، و زندگی خودمان را چنان زندگی می‌کنیم که گویی هیچ چیز تغییر نکرده است.

با شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ، تجزیه و تحلیل دوبور از زندگی مدرن، (عمیق‌تر و تاریک‌تر از آنچه خالق آن فکر می‌کرد) تشدید می‌شود، گویی او از بسیاری جهات، ماهیت ناشایست و خیالی، نیهیلیستی و بی‌حسی دولت جدید را پیش‌بینی کرده است. در درک مفاهیم دوبور «دروغ‌های غیر قابل پاسخ»، هنگامی که «حقیقت تقریباً در همه جا متوقف شده است یا در بهترین حالت، به فرضیه ناب کاهش یافته است.» و «تاریخ غیر قانونی»، هنگامی که دانش از گذشته در «گردش بی‌وقفه اطلاعات، همیشه به همان لیست موارد بی‌اهمیت برمی‌گردد» است، که ما

علل افزایش تئوری توطئه و ترامپیس را می‌بایم. در کار بعدی، «نظراتی بر جامعه نمایش»، که تقریباً ۲۰ سال پس از نسخه اصلی منتشر شد، به نظر می‌رسد که دوبور روند چشمگیری را که از بیستم ژانویه آغاز شد، پیش‌بینی کرده است. او نوشت: «این نمایش استدلال‌های خود را با به دور خود چرخیدن: با بازگشت به شروع، با تکرار، با تأکید مجدد ثابت در تنها فضای باقی‌مانده در جایی که هر چیزی را می‌توان به طور عمومی تأیید کرد... اثبات می‌کند. قدرت تماشاچی می‌تواند به طور مشابه یک یا سه بار، بیشتر از آنچه که دوست دارد، انکار کند و موضوع را تغییر دهد، با دانستن کامل آن. هیچ خطر دیگری برای پاسخ تند و آماده باقی نگذارد...» پس از ورود ترامپ،

## با شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ، تجزیه و تحلیل دوبور از زندگی مدرن، (عمیق‌تر و تاریک‌تر از آنچه خالق آن فکر می‌کرد) تشدید می‌شود، گویی او از بسیاری جهات، ماهیت ناشایست و خیالی، نیهیلیستی و بی‌حسی دولت جدید را پیش‌بینی کرده است

اندازه واقعی مخاطبان به سرعت از اهمیت برخوردار شد. انبوه تصاویر از جمعیت، که از بالا یاد در سطح زمین گرفته شده است، به سادگی حضور از یک وهم را تقویت می‌کند. از آن زمان، هر روز شاهد رسوایی، دروغ یا خشم جدیدی هستیم که یافتن جهت‌های درست معرفت‌شناختی و اخلاقی را برای ما دشوارتر کرده است: این نمایش همه ما را می‌بلعد. دوبور بیان می‌کند، این روند ادامه می‌یابد، «صحبت کردن در مورد چیز دیگری، و این همان چیزی است که از این پس، وجود دارد و عواقب عملی،



همانطور که می‌بینیم، بسیار زیاد است.» در واقع، چه کسی در میان ماسدروغ‌های بسیاری را که ترامپ در مورد تبلیغات انتخاباتی گفته است، به خاطر می‌آورد؟ چه کسی می‌تواند در اولین بار دیدن یا شنیدن نوار «دست‌رسی به هالیوود»<sup>۴</sup> دوباره شوک را تجربه کند؟ چه کسی می‌تواند ترامپ واقعی را از استهزای ترامپ و خطرات واقعی این سبک مغزی جدا کند؟

در پایان دوبور ما را با انبوهی سوالات آشفته ترک می‌کند. این که آیا ما ترامپ را دوست داریم یا از او متنفر هستیم؟ آیا این امکان وجود دارد که همه ما به همان اندازه مصرف‌کنندگان وابسته به تصاویر تماشاچی باشیم که وی همچنان به تولیدشان ادامه می‌دهد؟ آیا ما با مصرف تصاویر ایجاد شده توسط شخص وی و سیاستش، در ظهور ترامپ شریک جرم هستیم؟ آیا عکس‌های انتقادی متقابل که معترضین ایجاد می‌کنند، مقاومت واقعی را تشکیل می‌دهند یا در عوض آنها در پیشبرد نمایش همکاری می‌کنند؟ ما ممکن است اصرار داشته باشیم که این مصرف از نگرانی‌های اولیه مربوط به زندگی شهروندی و یک وظیفه و هوشیاری اخلاقی است. اما دوبور مخالفت می‌کند که چنین مصرفی چیزی بیش از یک اعتیاد به تعمق را نشان می‌دهد. ممکن است ما از محققان پیروی کنیم یا به منتقدان استناد کنیم، اما گویی این فعالیت‌ها توسط نمایش جذب می‌شوند و هیچ اثری در آن ندارند.

در آن دوران، این نمایش از بیستم ژانویه تاکنون متوقف نشده است. شاید ما مانند دوبور از یافتن راهی برای نهادینه کردن آنچه که طبیعتاً در برابر نهادینه مقاوم است، ناامید شدیم و گویی خودکشی او در ۱۹۹۴ استاره‌ای از این تسلیم است. به نظر می‌رسد ما وارد دورهای مشابه ماه مه ۱۹۶۸ می‌شویم که نمایانگر آنچه دوبور «زمان زندگی شده» نامیده است، فضا و زمان را از قلمرو نمایش جدا می‌کند و آن را به دنیای تعامل انسان برمی‌گرداند.

گسترش اعتراضات و راهپیمایی‌های ملی، و مهم‌تر از آن بازگشت به سیاست‌های محلی و سازماندهی جامعه، ممکن است در جایی که اسپاسم‌های آنارشیست ۱۹۶۸ شکست خورده، موفق شود و طلسم این نمایش را خرد کند.

منبع:  
Zaretsky, R. (2017, February 20). 'Trump and the Society of the Spectacle'. Retrieved June 08, 2020, from New York Times

### پی‌نوشت‌ها:

۱- Robert Zaretsky  
۲- Guy Debord

۳- گای دوبور یکی از بنیان‌گذاران گروه موقعیت‌گرایی بین‌المللی (Situationalist International) است، که به قول دوبور «سازمانی از انقلابیون حرفه‌ای در عرصه‌ی فرهنگ» است. موقعیت‌گراها مخالف سرشت نمایشی و ویتروینی فرهنگ، و خواهان برپایی تمدن نوینی هستند که در آن، زندگی روزمره، خود، همان اثر هنری باشد؛ یعنی هنر نه بیان، بلکه بسط زندگی باشد.

به گواهی پژوهش‌های تاریخی، موقعیت‌گراها قاطع‌ترین نقش را اگر نه در ایجاد رویدادهای انقلابی مه ۶۸ فرانسه، دست‌کم در ارائه‌ی محتوای رادیکال این

چه کسی در میان ماسدروغ‌های بسیاری را که ترامپ در مورد تبلیغات انتخاباتی گفته است، به خاطر می‌آورد؟ چه کسی می‌تواند در اولین بار دیدن یا شنیدن نوار «دست‌رسی به هالیوود» دوباره شوک را تجربه کند؟ چه کسی می‌تواند ترامپ واقعی را از استهزای ترامپ و خطرات واقعی این سبک مغزی جدا کند؟



جنبش داشته‌اند. کتاب جامعه‌ی نمایش در اواخر سال ۱۹۶۷ منتشر شد و یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که نظریه یک روزنامه‌نگار آن را «کاپیتال نسل جدید» خوانده است.

دوبور تحلیل خود را بر پایه‌ی مطالعات عمیق در زمینه‌ی فلسفه، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی، تاریخ هنر، روان‌شناسی، تاریخ انقلاب‌ها، جنگ‌ها و جنبش‌های اجتماعی و تئوری حاصل از آن‌ها شکل داده، و مفاهیمی برگرفته از منابع بسیار، به ویژه از هگل، مارکس و لاکاچ، را ملاط تحلیل خود قرار می‌دهد. این کتاب توسط بهروز صفدری به فارسی ترجمه شده است.

۴- دونالد ترامپ، چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا بیستم ژانویه ۲۰۱۷ (اول بهمن ۱۳۹۵) رسماً وارد کاخ سفید شد و کار خود را از همین روز آغاز کرد.

۵- زندگینامه‌اندی مریفلد از گای دوبور تاریخچه کوتاهی اما مفصل از یکی از بزرگ‌ترین انقلابیون روشنفکری قرن بیستم است، که اندیشه‌های وی تا امروز مرتبط هستند. از طریق این زندگینامه فلسفی، ما شاهد بررسی منحصر به فرد از فعالیت‌های اجتماعی در اروپا پس از جنگ هستیم.

۶- در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶، در جریان انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶، واشنگتن پست ویدیویی را منتشر کرد و مقاله‌ای را در مورد کاندیدای آن زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ و میزبان تلویزیون بی‌بی‌سی بوش با داشتن "یک مکالمه بسیار ناعادلانه درباره زنان" در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد.

ترامپ و بوش در یک اتوبوس در راه خود برای فیلمبرداری از قسمت دست‌رسی هالیوود بودند، نمایشی که متعلق به NBCUniversal است.

در این ویدئو، ترامپ تلاش خود برای اغوای یک زن متاهل را توصیف کرد و نشان داد که او ممکن است شروع به بوسیدن زنی کند که او و بوش قرار بود ملاقات کنند.

وی افزود: "من حتی صبر نمی‌کنم، وقتی ستاره‌ای هستی، به شما اجازه می‌دهند این کار را انجام دهید. می‌توانید هر کاری انجام دهید." مفسران و وکلا چنین عملی را تجاوز جنسی توصیف کرده‌اند.